

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 موضوع جزئی: آیه ۴۲ _ مفردات آیه _ ارتباط آیه با قبل و بعد _
 تاریخ: ۱۵ آذر ۱۴۰۰
 مصادف با: ۱ جمادی الاول
 مجلسه: ۲۳
 معنای نهی از لبس و کتمان

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ﴾

آیه ۴۲: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ».

معنای اجمالی این آیه را عرض کردیم که خداوند متعال نهی می‌کند عالمان یهود را از اینکه حق را با باطل بیامیزند یا لباس باطل بر حق بپوشانند و کتمان حقایق کنند در حالی که آگاه به امور می‌باشند.

مفردات آیه

طبق معمول مفردات این آیه را که چند واژه هست توضیحی خواهیم داد و بعد هم تناسبی که با آیات قبل و بعد دارد بیان می‌کنیم و انشاءالله به تفسیر آیه خواهیم پرداخت.

۱. «وَلَا تَلْبِسُوا»

اولین واژه در این آیه «لَا تَلْبِسُوا» است. در مورد ماده ای که «لَا تَلْبِسُوا» از آن مشتق شده، دو احتمال وجود دارد که در بخش تفسیر به این دو احتمال بیشتر می‌پردازیم و مؤید و قرینه ای که ممکن است هر یک از این دو احتمال داشته باشد را ذکر خواهیم کرد.

۱. یک احتمال این است که «لَا تَلْبِسُوا» از ماده «لَبَسَ» به معنا اشتباه باشد. بر این اساس معنای این کلمه این است که حق را به باطل مشتبه نکنید.

۲. احتمال دوم این است که ماده لَا تَلْبِسُوا کلمه «لُبَسَ» باشد به معنای پوشیدن و پوشاندن. آنگاه معنای این نهی این می‌شود که حق را به باطل نپوشانید و یا به تعبیر دیگر لباس باطل را بر حق نپوشانید. در مورد خود کلمه حق و باطل اینجا با توجه به آنچه که قبلاً گفته شد و در برخی از روایات آمده، احتمالات زیادی ذکر شده، اما معنای خود این واژه روشن است.

۲. «بَاطِل»

حرف «باء» در «بالباطل» هم برای استعانت است. یعنی لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِاسْتِعَانَةِ الْبَاطِلِ، به کمک باطل حق را مشتبه نکنید و یا لباس باطل بر آن نپوشانید.

۳. «وَتَكْتُمُوا»

«تَكْتُمُوا» که به صورت منصوب یا مجزوم آمده چون نون در آن حذف شده، ممکن است حذف «نون» در «تَكْتُمُوا» از باب جزم باشد و آنگاه واو، عاطفه خواهد بود و معنا این است که لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَلَا تَكْتُمُوا.

«لا» بر سر این هم می‌آید و طبیعتاً اگر نهی باشد مجزوم است و «نون» حذف می‌شود.

اگر حذف «نون» از باب نصب باشد، «واو» برای جمع خواهد بود. یعنی گویا میفرماید لا تَجْمَعُوا بَيْنَ اللَّبْسِ بِالْبَاطِلِ و بین کتمانه. بین کتمان حق و بین اشتباه حق و باطل جمع نکنید. این معنایش این نیست که هر کدام از این‌ها اگر به تنهایی انجام شود اشکالی ندارد.

متعلق «تَكْتُمُوا» هم «حق» است: «وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ». اینجا کلمه حق که ذکر شده، با کلمه «حق» که در جمله قبل آمده، باید یک معنای متفاوتی داشته باشد چون اگر معنای این حق، همان حقی باشد که در جمله اول آمده، می‌توانست به جای کلمه حق ضمیر بیاورد. بگوید لا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ و تَكْتُمُوا و أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ. پس اینکه حق را مستقلاً و برای بار دوم ذکر کرده، چه بسا ظهور در این دارد که این حق معنایی غیر از آن معنای اول دارد. اینکه معنایش چیست، اینهم می‌تواند اشاره به یک حق خاص مانند شخص رسول اکرم باشد. حال یا نام و یا وصفش. و آن حق اول به معنای حقایق دین مانند مبدأ، معاد و امثال این‌ها باشد.

این معنای اجمالی حق بود و الا احتمالات در مورد حق زیاد است. منتهی اینکه در اینجا چه چیزی اراده شده، به طور اجمال عرض شد.

ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد

ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد هم روشن است. این آیه در ادامه آیه «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ» آمده است. گفتیم مخاطب آن آیه همه بنی اسرائیل اند. هم عالمان بنی اسرائیل و هم توده مردم. لکن اینجا خطاب به خصوص عالمان یهود است، چون آن‌ها هستند که لبسُ الحقِّ بالباطل می‌کنند و آن‌ها هستند که حق را کتمان می‌کنند. ممکن است که لبسُ الحقِّ بالباطل به نوعی در بین عامه مردم و توده‌های بنی اسرائیل هم باشد، اما عمدتاً عالمان هستند که این دو کار را انجام می‌دهند. عالمان اند که حق را با باطل مشتبه می‌کنند، طوری باطل را بیان می‌کنند که با حق مشتبه می‌شود. یا لباس باطل بر حق می‌پوشانند و به مردم ارائه می‌دهند. این دو کار اصلی عالمان است. این چیزی نیست که توده‌های مردم از پس آن بر بیایند و آن را انجام دهند. این ویژگی عمدتاً برای عالمان دنیا طلب است و مخصوصاً «وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» بیشتر معنا پیدا می‌کند. یعنی با اینکه می‌دانید حق و باطل چیست، اما حق را با باطل مشتبه می‌کنید و یا لباس باطل بر حق می‌پوشانید.

این در ادامه آیه قبل و برشمردن کارهایی است که بنی اسرائیل کردند. بخشی از این‌ها مشترک است، یعنی هم عالمان مرتکب شدند و هم عامه مردم. اما بخشی مخصوص عالمان است که در اینجا دارد به آن اشاره می‌کند. اجمالاً درباره مفردات این آیه توضیح مختصری داده شد، و هم ارتباط با آیات قبل و بعد مشخص شد.

معنای نهی از لبس و کتمان

یکی از رفتارهای بسیار زشت عالمان یهود همین مسئله آمیختن حق و باطل است. گفتیم «لَا تَلْبِسُوا» می‌تواند مشتق از ماده «لَبَس» به معنای اشتباه باشد. آنگاه خداوند در اینجا دارد نهی می‌کند از مشتبه ساختن و ملتبس ساختن حق و باطل به یکدیگر.

اما اگر مشتق از ماده «لَبَس» باشد، معنایش این است که شما لباس باطل بر حق نپوشانید. یا به تعبیر دیگر، طوری عمل نکنید که حق به صورت باطل معرفی شود؛ منظور این است. به حق لباس باطل نپوشانید و یا بالعکس، به باطل لباس حق نپوشانید.

در اینجا دو کار ممکن است صورت بگیرد که هر دو مؤثر است و می‌تواند باعث انحراف شود. یکی اینکه حق را به گونه‌ای معرفی کنند که باطل جلوه کند. اینجا همین پوشاندن لباس باطل به حق منظور است. یک کار دیگر هم ممکن است و آن اینکه بر باطل لباس حق بپوشانید. چیزی را که باطل است، به عنوان حق جلوه دهند. هر دو می‌توانند مشمول نهی قرار گیرند. هم حق را لباس باطل پوشاندن و هم باطل را لباس حق پوشاندن. این دو احتمال در اینجا وجود دارد.

اما برخی گفته‌اند که «لَا تَلْبِسُوا» مشتق از «لَبَس» به معنای اشتباه است. احتمال دوم در اینجا قابل قبول نیست. یعنی در اینجا نمی‌خواهد بگوید جامه باطل بر حق قرار ندهید. چون اگر بگوییم مشتق از «لَبَس» است تالی فاسد دارد و آن اینکه «وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ» تکرار جمله قبل می‌شود، در حالی که تکرار قابل قبول نیست. چون «لَا تَلْبِسُوا» نهی می‌کند از فریب کاری، تدلیس و اشتباه انداختن، و «لَا تَكْتُمُوا» نهی از کتمان می‌کند. یعنی عالمان یهود هم کتمان میکردند، هم حق را بر مردم مشتبه میکردند. پس اگر بخواهد تکرار آن جمله محسوب نشود و دو مطلب را برساند، باید بگوییم «تَلْبِسُوا» از ماده «لَبَس» مشتق شده است. اما اگر از «لَبَس» به معنای پوشاندن باشد، کتمان هم همان معنا را میدهد. آنگاه معنا اینطور می‌شود که «لَا تَلْبِسُوا» یعنی حق را با باطل نپوشانید، وقتی هم که می‌گوید «لَا تَكْتُمُوا» طبیعتاً وقتی جامه حق بر باطل بیافکنند، یا بالعکس، در حقیقت همان پوشاندن می‌شود و دیگر معنای جدیدی از آن استفاده نمی‌شود. پس برخی معتقدند اینجا برای اینکه تکرار لازم نیاید و برای اینکه اشاره به هر دو کار عالمان یهود داشته باشد، و نهی هر دو عمل خلاف آن‌ها را در بر بگیرد، باید بگوییم این مشتق از ماده «لَبَس» است.

این ممکن است یک قرینه قابل توجهی باشد، اما در عین حال موجب تعیین معنای اول و اشتقاق «لَا تَلْبِسُوا» از «لَبَس» نمی‌شود. برای اینکه «لَا تَلْبِسُوا» در مورد کسانی است که حق را شنیده‌اند. سپس که می‌گوید «تَكْتُمُوا» یعنی پنهان نکنید، نسبت به کسانی است که اساساً حق را شنیده‌اند یعنی کأن ما در اینجا دو گروه داریم: یک عده حق را شنیده‌اند، عده‌ای هم حق را شنیده‌اند. آنگاه کسانی که حق را شنیده‌اند، نسبت به آن‌ها می‌گوید مشتبه نکنید. نسبت به کسانی که حق را شنیده‌اند، می‌گوید از آن‌ها پنهان نکنید. لذا تکرار لازم نمی‌آید.

اگر می‌گوید «لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» یعنی برای بخشی از مردمان که این حق را شنیده‌اند که پیامبری خواهد آمد، قرآن خواهد آمد، این را مشتبه نکنید. وجوه تلبیس این‌ها را خواهیم گفت؛ مثلاً یکی از کارهایی که عالمان یهود میکردند این بود که میگفتند آنچه که در تورات گفته شده حق است و پیامبری با این نام و اوصاف خواهد آمد، اما این شخص همان شخص توصیف شده نیست. پس این مربوط به کسانی است که حق را شنیده‌اند، اما طوری برای آن‌ها جلوه می‌دهند که از حق دور شوند.

اما وقتی می‌گوید کتمان نکنید، یعنی حق را از آن‌هایی که نشنیده‌اند پنهان نکنید. پس تکرار لازم نمی‌آید اگر ما به معنای «لُبْس» هم بگیریم، کأن خداوند دوبار نهی کرده. یکبار می‌گوید بر این حق جامه باطل نپوشانید که مربوط می‌شود به کسانی که حق را شنیده‌اند می‌شود. بعد که می‌گوید حق را پنهان نکنید، نسبت به کسانی است که نشنیده‌اند. لذا تکرار لازم نمی‌آید و مشکلی نیست.

پس ما اگر ماده اشتقاق «لا تَلْبِسُوا» را هر یک از این دو معنا بگیریم صحیح است.

بحث جلسه آینده

اما مسئله این است که مگر عالمان یهود چه میکردند؟ اینکه می‌گوید «لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ» و «لا تَكْتُمُوا الْحَقَّ»، کتمان حق توسط آن‌ها چگونه بود، و لبس یا لبس حق به باطل چگونه بود؟ این مطلبی است که در ادامه انشاءالله به آن خواهیم پرداخت.

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»